

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آینده انقلاب (جلسه دوم)

حجت الاسلام مصطفی امینی خواه

آینده جامعه و دین از نگاه خدا

درباره آینده انقلاب اسلامی که عنوان بحثمان است قرار شد صحبت نکنیم! درباره آینده تاریخ یا به قول غربی ها پایان تاریخ می خواهیم صحبت کنیم که جامعه و دین می خواهد به کجا برسد؟

دیروز مقداری صحبت کردیم که خداوند فرموده با آن آینده ای که می خواهیم، دنیا را خواهیم گرفت. خداوند می فرماید: می توانستم شما را از اول طوری بیافرینم که همه مطیع باشید.^۱ اگر این طور می خواستم که ملائکه بودند و نیاز نبود آدم را خلق کنم. من آدم خلق کردم و آدم را آخرش آدم می کنم. حرف خدا این است.

آدم خلق کردم نه ملک؛ به آدم گفتم که آدم باش، دیدم آدم نمی شود. من طوری کار را پیش می برم که آخرش آدم شود. جامعه بشود جامعه آدم ها و آدم هم آدم بشود.

پایان تاریخ این است که آخرش من پرستیده می شوم و همه آدم می شوند.^۲ انقلاب اسلامی اگر بنا دارد آدم بسازد و جامعه ای برای آدم ها باشد، آینده آن این طور آینده درخشانی خواهد بود. خدا با اسم و رسم کار ندارد.

^۱هود: ۱۱۸ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَإِنَّا لَمُخْتَلِفِينَ

^۲يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا نور: ۵۵

ایرانیان یعنی چه کسانی؟

برخی روایت ها را می خوانند - این نکته خیلی مهم هست، برخی جملاتی که گفته می شود دو سه تا کتاب خلاصه شده در این جمله- در روایات از ایرانیان خیلی تعریف شده است. ایرانی ها یعنی X و Y، من یا شما؟ خدا با اسم و رسم، ترک و لر، سفید و سیاه کاری ندارد.

روایت هایی که از ایرانی ها تعریف کرده پس چه هست؟ قرآن هرچه گفته است به وصف کار دارد به موصوف کار ندارد. نه در مورد دوست نه در مورد دشمن .

حقیقت شیعه بودن از نگاه علامه طباطبایی

مثلا خداوند در مورد یهودی ها صحبت کرده یعنی چه؟ یهودی یعنی چه کسی؟ الان بگوییم من یهودی ام پس آن آیاتی که در مورد آنها بد گفته است یعنی درباره من است؟ نه. من مسلمانم، آیاتی که خوب گفته است یعنی من؟ نه. به اسم کار ندارد. حالا از دل این حرف ها پلورالیسم در می آورند و می گویند حقیقت یعنی یک آینه ای که شکسته است و دست همه افتاده است. این حرف ها همه اشتباه است. این بخشش غلط است اما آن بخشش درست است. حقیقت یک امر واقعی است و به اسم و رسم کاری ندارد. آینده تاریخ مال مومنین است. کسانی که بند به خدا هستند. آدم ها نه این که یعنی ایرانی ها، مسلمانان و شیعیان. آینده تاریخ مال اسم شیعه نیست و مال حقیقت است.

مرحوم علامه طباطبایی در فصل سوم رساله الولایه بحثی دارند. ثمره اش این است که خیلی ها شیعه هستند اما خبر ندارند. خیلی ها اسما شیعه هستند اما گبر و یهودند.

دوران امام زمان که پایان تاریخ است، افرادی که وابسته به حقیقتند نمایان می شوند.

خدا با این اسم کار ندارد که من بگویم شیعه پس بگوید تو کارت درست است. می گوید این انسانیت یک وصف است. در کسی بروز پیدا می کند که انصاف دارد، عدالت دارد، اهل مراعات است، حق کشی نمی کند. این را اگر دارید آدم هستید.

شبهات های امام حسین (ع) و امام زمان (عج)

آخر عالم مال این آدم ها هست. جامعه از جنس اینها خواهد شد. صالح واقعی هستند. در کربلا هم همین طور هست. کربلا جلوه ای از ظهور است. شبهات های امام حسین ع با امام زمان عج خیلی زیاد است. اینها یک حقیقت اند. حتی در روایت گفته اند تن صدای امام زمان و امام حسین یکی است.

شما می بینید یک آدم عثمانی مذهب به نام زهیر در رکاب ابا عبدالله شهید می شود و نماز شب خوان ها آن طرف امام حسین را شهید می کنند.

این نکته مهمی است که مردم کوفه اسما در دنیا در این دوره شاخص بودند. تنها حکومت شیعی دنیا حکومت کوفه بود. امیر المومنین علیه السلام از مدینه به کوفه آمدند و تشکیل حکومت دادند. مورخین گفته اند ۸۰ درصد کوفیان از نظر ایدئولوژی شیعه بودند بقیه خیلی کم و یهودی هم نداشتیم. - روضه هایی که بازار یهودی ها بردند در کوفه اینها بافتنی هاست. در شام بوده اما در کوفه نداشتیم. در کوفه مقداری خوارج داشتیم اما عموم مردم شیعه بودند. - بعد چه کسانی امام حسین ع را شهید کردند؟ همین کوفیان. بعد می گوید اینها شیعه اند. این فرد درگیر اسم شده است.

زهیر اسما ناصبی است. همسرش را سه طلاقه کرده و حرام ابدی شده است. این سه طلاقه مربوط به اهل سنت است. فقه او فقه اهل سنت است.

یمنی ها بنیانگذار ظهور حضرت بقیه الله عج

بنیان گذاران ظهور که یک طایفه وسیعی هم هستند یمنی هایند. شاخصه هایی داده اند. گفته اند پرچم یمانی از پرچم خراسانی هدایت بخش تر است. که آقای کورانی در کتاب عصر ظهور تحلیل قشنگی دارد. می گوید چون یمنی ها یک تفاوتی با ایرانی ها - همان سپاه خراسانی - دارند. ایرانی ها متمدن اند و از اول تاریخ اهل تمدن اند و درگیر فیگور های تمدنی اند اما یمنی ها چون بادیه نشین بودند این را ندارند. آنها حکومت دارند اینها ندارند. ایرانی ها چون حکومت دارند به کنوانسیون های بین المللی باید متعهد باشند اما آنها این تعهد ها را ندارند. این تحلیل مربوط به سی سال پیش است.

یمینی ها مذهبشان چیست؟ زیدی اند. چهار امام را قبول دارند. امام صادق ع را قبول ندارند. بعد می گویند پرچم اینها هدایت بخش تر است. فتح مکه توسط اینها صورت می گیرد. امام زمان که به مکه

تشریف می آورند در روایات آمده است که درگیر می شوند با آل فلان و حکومت آل فلان از سفیانی درخواست می کند که بیاید کمکش کنند و امام عصر از سپاه یمانی درخواست می کند.

سفیانی می آید بین منطقه ای که بین ترکیه و سوریه است خسف بیداء صورت می گیرد و زمین اینها را می بلعد. و یمنی ها می آیند مکه را فتح می کنند. وقتی مکه را فتح کردند حضرت که مکه را می گیرند به سمت عراق حرکت می کنند.

یعنی نقطه اول حرکت امام زمان با یمنی هاست که اینها به حسب ظاهر شیعه چهار امامی هستند. معلوم می شود که این اسم و رسم ها را نباید خیلی جدی گرفت.

خاطره ای از کمک عراقی ها در مقابل منافقین مرصاد

مستندی به نام نور و نار توسط دانشجوی عراقی که در ایران درس می خواند هست. با بچه ها راهیان نور می رود. یکی از بخش های جالب مستند این است که ایرانی ها در عملیات مرصاد با منافقین درگیر شده اند بعد یکی از فرمانده های ما در عملیات مرصاد که از مرز ما محافظ می کند هادی العامری است که الان فرمانده سپاه حشد الشعبی عراق است.

ایرانی هایی که به پشتوانه صدام به ایران حمله می کنند (منافقین) ، هادی العامری عراقی ایستاده و از ایران دفاع می کند.

خیلی چیز عجیبی است. عراقی ها ایستاده اند دفاع می کنند که ایرانی ها نیابند انقلاب را ساقط کنند. واقعیت انقلاب اینهاست. کسی می خواهد انقلاب را بفهمد این هاست که می فهماند. آن آینده درخشان مال این بخشش است نه مال اختلاس و... .

این انقلاب این است که اسم و رسم ندارد.

تعریف رهبر انقلاب از انقلاب اسلامی

رهبر انقلاب یک وقت نکته قشنگی فرمودند که این انقلاب انقلاب اسلامی است و انقلاب شیعی هم نمی گوییم. شیعه هم نگویید غلط است. انقلاب اسلامی؛ ما الان اهل سنتی داریم که هزار مرتبه از شیعیان

اسمی خاصیتش برای انقلاب بیشتر است. ما حتی شهدای ارمنی داریم. شهدای ارمنی را کجای دلمان بگذاریم؟ این اسما ارمنی است ولی حقیقتاً شیعه است. ما گیر عناوین هستیم. این اسرائیلی است. این یهودی است. او آخوند است. این آیت الله است. بعد بروید روایات را ببینید که طایفه عظیمی که در مقابل حضرت می ایستند اهل علم اند.

مسیحیان اولین ایمان آوردندگان به امام زمان عج با دستور حضرت عیسی ع

مسیحی ها اول کسانی هستند که ابتدا به امام زمان ایمان می آورند. آن ماجرای که حضرت مسیح در قدس فرود می آیند. زمانی که امام زمان عراق را می گیرند. به سمت قدس حرکت می کنند. - این هم نکته جالبی است که رهبری می فرماید به زودی در قدس نماز خواهید خواند. نماز در قدس، طوری که در روایات ماست امام زمان عج انجام می دهند. از ایشان روایت داریم که طایفه ای قبل از ظهور حضرت به سمت قدس حرکت می کنند نمی توانند. این را در روایات داریم. با خود حضرت فتح قدس اتفاق می افتد. در خود بیت المقدس - که به اشتباه می گویند بیت المقدس. - در آنجا حضرت مسیح می آیند و به حضرت اقتدا می کنند. با مردم عالم صحبت می کنند میگویند این ویژگی هایی که در تورات و انجیل بوده است من دارم یا ندارم؟ همه اقرار میکنند که دارید. سپس می فرمایند: امام من این آقا است. اگر قبول می کنید امام شما این آقا است. که طایفه وسیعی از آنها قبول می کنند.

تعریف قرآن از مسیحیان

آیه قرآن هم دارد: المائدة : ۸۲ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

نزدیک ترین کسانی که مودت به مومنین دارند. مسیحیان اند و نزدیک ترین قرابت را دارند. می گوید من با اسم کار ندارم. چرا از مسیحی های واقعی نه صهیونیست مانند ترامپ، اوباما و.. - خوشم می آید؟ همین مسیحیتی که کشیش دارند. یک فرهنگی بین آنها هست که دنبال دنیا نمی روند. - البته قرآن

رد می کند و می گوید این قدرش را هم قبول ندارم^۳ - همین که دنبال دنیا نمی دوند این خودش یک لطافتی برایشان آورده است. این یک ویژگی خوب، ویژگی دیگر این که: لایستکبرون. تکبر ندارند.

خدا می گوید من به اسم کار ندارم. شیعه ای که مستکبر است، روبروی حق می ایستد، قلدر است، شیعه نیست. مگر پهلوی ها نمی گفتند ما شیعه هستیم؟ غدیر مراسمی که در پهلوی می گرفتند مطالعه کنید. در دوره محمدرضا خیلی فضا باز بود. در محرم در غدیر و.. هدایای شاهانه می دادند و زیارت می آمدند. محمد رضا صدام را برده بود و بالای سر امام رضا ع نماز خوانده بود. خب این الان نماز بالای سر خواندن زائر است!

او هم که شیعه است این هم ارادت! مگر خدا به اینها کار دارد. آن وصف را کار دارد به موصوف کار ندارد. وصف تکبر ندارد. آینده تاریخ مال اینهاست. مستضعفین و مستکبرینی که خدا تقسیم می کند مال این حقیقت است. می گوید آنهایی که در برابر حق تکبر دارند ذلیلشان می کنم. من خدایی می کنم و آنهایی که من را قبول دارند. این آینده است و آینده قطعی تاریخ این است. آنهایی که من را قبول ندارند یا باید تسلیم شوند درباره این واقعیت یا شمشیر دست بگیرند و درگیر شوند.

پس خدا می خواهد آدم بسازد و بر آدم ها حکومت بکند. بنده در مورد آدم مقداری صحبت بکنم.

اصل دعوای ما با دنیا بر سر تعریف انسان است

اصل دعوا بر سر تعریف انسان است. نگاهمان به انقلاب از دریچه نقلی نیست.

یکی از دانشجویهای شریف چندوقت قبل آمده بود دفتر ما در دانشگاه فردوسی. در مورد انقلاب مساله داشت. ابتدا رگباری شروع کرد و می گفت فلان آقا مخالف است. ولایت مطلقه بیسار است. این فلان است. این فلان است. اینجا سند نداریم و.. و می گفت کسی نمی تواند جواب بدهد.

^۳ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا.. حدید ۲۷

من گفتم چرا از این راه وارد انقلاب می شوید. گفت مگر زاویه دیگری هم دارد. گفتم من از زاویه عقلی وارد بحث انقلاب می شوم. گفت چگونه؟ اینجا نمی خواهم مطرح کنم چون قرار نبود وارد انقلاب شویم. از خدا وارد شدیم .

امام مصاحبه ای که با روزنامه تایم دارند در ۱۸ دی ۵۷. از امام سوال می کنند که برای چه انقلاب کردی؟ گفت برای خدا. خدا و انسان موضوع اصلی اند. در تمام بحث ها همین دو بخش را باید فهمید. خدا چه کسی است؟ انسان چه کسی است؟ و رابطه بین این دو چیست؟ همین! باقی همه فرعی است. کمی در مورد این صحبت کردم. که خدا این است و انسان این است. بعد پرسیدم آیا خدا انسان را ول کرده است یا نکرده است؟ گفت ول نکرده است. گفتم اگر ول نکرده برنامه اش چه چیزی است؟ تو راهکار برای خدا بده. او خدا و این انسان به نظرت برنامه اش برای انسان چه هست؟ گفت: دین. گفتم خب ول کرده؟ یا هنوز هم هست. قدم به قدم آمدیم تا به ولایت مطلقه رسید.

ما در بحث های فقهی اگر وارد شویم هزار و یک ان قلت هست. این روایت ضعیف است آن مساله فلان است. در مورد اینها بحثی نداریم. اصل انقلاب برمی گردد به تعریف ما از انسان و خدا. خدای در صحنه یا خدای یکشنبه ها.

خدایی که در متن کار نیست یک گوشه ای که هر از چند گاهی سر بزنییم. با کدام انسان. اصل دعوا سر انسان است.

انسان کیست؟

خیلی با دنیا درباره خدا مشکل نداریم. یک طایفه آتئیست هستند که وضعیتشان روشن است که منکرند. دعوا با سکولارهاست نه با آتئیست ها. سکولار نمی گوید خدا نیست می گوید خدا هست اما کاره ای نیست.

دعوا اینجا شروع می شود. می پرسیم چرا کاره ای نیست؟ می گوید چون انسان هم هست! دین هست ولی عقل هم هست. دین حوزه ای دارد که عقل کارایی ندارد.

اینها مبانی اومانیستی است که ختم به ساختار سکولار می شود. دعوا سر آدم است.

یک زمانی سخنرانی درباره حجاب داشتیم. گفتم: امام خمینی دغدغه اش این بود و می گفت من نمی گذارم آدم را از آدم بودن تنزل بدهید.

تا این مساله حل نشود هرچه در مورد حجاب بگوییم کشک است. اصلا غلط است در مورد حجاب بگوییم. آدمی که آدم بودن خودش را قبول ندارد نمی توان در مورد حجاب با او صحبت کرد. مساله اول درباره آدم است.

الان شما می بینید - که در فضای رسانه هم خیلی فراگیر شده است - می گوید چرا می خواهی بچه دار شوی؟ مگر سگ چه اش است؟ این سلبریتی ها می گویند که من سگم سه قلو زاییده است، من برای چه بچه بیاورم. واقعا سگ یک انس خاصی با آدم پیدا می کند. آنقدر که این وفادار است خیلی آدم ها این طور نیستند.

دعوا سر تعریف انسان است. انسانی که فرقی با سگ و گاو نداشته باشد! همه حرف ها بازی است.

کبوتر خانه میبد یزد و فرهنگ غرب

یک وقتی رفته بودیم کبوترخانه ی میبد یزد؛ یک ساختمان است مانند آپارتمان غرفه غرفه دارد. اتاق های ۲۰*۳۰ سانت. ۱۰ الی ۱۵ هزار اتاق دارد. یک سری دریچه دارد. وقتی پرنده ها شب ها می آمدند. وقتی فضولانش لایه می کرد و می رفت. بعد مغز ایرانی می آمد این فضولات را می تراشید. خیلی کود قوی است. بعد یک طوری هم تامین امنیت می کرد. جغد و شاهین و .. نمی آمدند و از جهت گرمایشی سرمایشی هم معتدل بود و با کاهگل هم ساخته اند. از این راه - کود کبوتر- نان می خوردند.

مقاله ای نوشته بودم در این باره که این کبوتر خانه من را یاد غرب می اندازد. نظمش، امنیتش ، رفاهش و.. همه چیزش اوکی است و مشکلی ندارد. فقط مساله اش این است که تو کبوتر من هستی. اینجا بنشین فقط کود من را بده! بعد برو و آزاد هستی.

دغدغه انسان مدرن

مرحوم صفائی حائری درباره انسان مدرن می گفتند انسانی است که همه دارایی اش یک دهن و یک معده و یک سیبی که از بالا برسد و مقداری هم زیر شکم. رسماً می گویند عقل چیز اضافی است. چرا مسکرات اینقدر رایج است؟

خاطره آیت الله جوادی آملی از گفتگو با یک ایتالیایی

آیت الله جوادی آملی می فرمودند که رفته بودیم ایتالیا - به گمانم - به یک آقای ایتالیایی بود از من پرسید که از کجا آمده ای. گفتم از ایران. گفت ایرانی که جنگ عراق را دارد. آن پیر مرد گفته بود من جنگ را تجربه کرده ام خیلی سخت هست. آیت الله جوای می فرمودند که من یک آدم عاقل گیرم آمد خوشحال شدم گفتم مقداری با او حرف بزنم. گفتم کدام جنگ را تجربه کرده اید؟ گفت جنگ جهانی دوم. از جنگ چه چیزی یادت هست؟ چه چیزی خیلی بهت سخت گذشت. گفت: ما را در جنگ بمباران کردند. عرق فروشی سر کوچه مان را زدند. من دو هفته مجبور شدم به جای عرق آب بخورم. مگه آدم آب می خورد؟ آب مال قورباغه است! آدم تشنه می شود عرق می خورد! ایشان فرمود که من چی بگم با این؟!

مساله اصلی اینجاست که به بقیه حرف ها در مورد انقلاب، آینده انقلاب و ابتلائات و .. آدم نمی رسد.

تفاوت مردم موسی و فرعون، دو مدل تربیتی

نقش قانون در تربیت و در مورد مدل های قرآنی تربیت انسان که مربوط به موسی و فرعون است جلسه بعد صحبت می کنیم. مردمی که با فرعون بودند با موسی هم بودند. مردم فرعون اهرام ثلاثه ساختند مردم موسی آفتابه هم که نمی ساختند هیچ ، از دریا که رد می شدند می گفتند یک خدا مثل اینها بساز! وقتی آنها آنجا هستند منظم اند و سه شیفت کار می کنند به موسی که می رسند اینطور می شود.

اصلا ماهیت انقلاب اگر خواسته باشد فرعونى باشد خيلى رشدش سريعتراست. چون كنترل جامعه اى كه در حد گوسفند خواسته باشند زندگى كنند كار سختى نيست. مديريت آن هم كار سختى نيست. مديريت گوسفند ها كار سختى نيست. در بين اينها كسى اعتراض نمى كند. كچ روى ندارند. اختلاس و.. كدام گوسفند اختلاس مى كند؟ فساد مالى كه همه علف ها را بخورد. حال حرف از آدميت كه مى رسد براى خود موسى شاخ مى شوند. موسى اى كه آنها را از دريا رد كرده است.

تازه اول دعوا اينجاست. آدم فرعون مى خواهى باشى يا آدم موسى؟